

## آسیب‌شناسی سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد از منظر آرمان‌گرایی

علی‌اکبر رضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مولفه‌هایی که در بررسی سیاست خارجی دولت‌ها در مواجهه با سایر دولت‌ها و جامعه جهانی مورد توجه است، رویکرد دولت نسبت به نظام حاکم بر جهان است که باتوجه به موافق یا مخالف بودن با نظام حاکم بر جامعه جهانی رویکردها به ساختارشکنانه یا حافظ وضع موجود تقسیم‌بندی می‌شوند. در رویکرد حافظ وضع موجود که بنابر سازگاری دارد بحث رویکرد جایگزین مطرح نمی‌شود اما در رویکرد ساختارشکنانه باتوجه به رویکرد منفی دولت با وضع موجود، ارائه رویکردی جایگزین نیز ضروری می‌نماید. رویکرد دولت احمدی‌نژاد نسبت به نظام حاکم بین‌المللی یک رویکرد ساختارشکنانه بود و آن را ناعادلانه توصیف می‌کرد. در چنین رویکردی علاوه بر تبیین، نگرش دولت باید بررسی شود که آیا در کنار عدم پذیرش سیاست حاکم بر نظام جهانی، دولت احمدی‌نژاد طرح و برنامه‌ای برای رهایی از وضع حاکم بر نظام بین‌الملل ارائه کرده است؟ که در پاسخ بدان می‌توان بیان نمود که رویکرد دولت احمدی‌نژاد نسبت به جامعه جهانی و نظام حاکم بر آن رویکردی ساختارشکنانه نسبت به وضع موجود جهانی است اما در ارائه راهکار جایگزین ناکام ماند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی، احمدی‌نژاد، نظام بین‌الملل، آرمان‌گرایی

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) Rezaei.yu@gmail.com

**مقدمه**

نظم حاکم بر نظام بین‌المللی که پایه و اساس آن، پس از جنگ جهانی دوم ریخته شده است، بگونه‌ای است که کشورها در آن اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته موافق وضع موجود هستند، یعنی قوانین و اصول حاکم بر نظام بین‌الملل که پس از جنگ جهانی دوم پی‌ریزی شده را پذیرفته‌اند و طبق این اصول سیاست خارجی خود را جهت‌دهی می‌کنند. عده‌ای دیگر از دولت‌ها هم هستند که اصول و قوانین حاکم بر نظام بین‌الملل را، قوانینی می‌دانند که طبق اراده و منافع ابرقدرت‌ها می‌باشد و خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دانند و خواستار تغییر این قوانین ظالمانه بر جهان هستند.

دولت احمدی‌نژاد از جمله دولت‌هایی بود که با یک رویکرد تهاجمی به نظام بین‌الملل می‌نگریست و قوانین حاکم بر آن را قوانینی ظالمانه که در خدمت ابرقدرت‌هاست می‌دانست. دولت احمدی‌نژاد علیرغم نوع جدید رفتار خود در محیط بین‌الملل مانند به راه انداختن یک مدل جدید گفتگو از طرق نامه‌نگاری یا رفتن به سمت دیپلماسی عمومی که در ابتدای انقلاب از آن استفاده می‌شد و چندین دهه به فراموشی سپرده شده بود و همچنین رفتن به سمت برداشتی خلاف واقع از آموزه مهدویت نتوانست ادعای نظم جدید خود را به اثبات برساند.

۶۶

**۱- مفاهیم و اصطلاحات****۱-۱- سیاست خارجی**

سیاست خارجی عبارت است از استراتژی یا رشته‌ای از اعمال از پیش طرح‌ریزی شده تصمیم‌گیرندگان حکومتی جهت دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی. به عبارتی، می‌توان گفت که سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای سلسله‌ای از اهداف و منافع ملی است، در صحنه بین‌المللی که از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳: ۹).

کی. جی. هالستی در تعریف سیاست خارجی می‌گوید: «پدیده‌هایی که فراتر از مرزهای ملی می‌روند، همچون ارسال یادداشت دیپلماتیک، اعلام دکترین، تشکیل اتحاد یا تنظیم هدف بلند مدت، اما مبهم، مانند ایمن-سازی جهان برای دموکراسی» (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۳).

**۱-۲- آرمان‌گرایی**

در بحث مواجهه با جامعه جهانی دو نظریه عمده وجود دارد که عبارتند از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی. نظریه آرمان‌گرایی همگام با تئوری واقع‌گرایی، دو نظریه‌ای هستند که بعنوان نظریه‌های جریان اصلی در روابط بین‌الملل مطرح شدند. در این میان، نظریه آرمان‌گرایی بعد از جنگ جهانی اول و طرح اصول چهارده گانه

ویلسون طرفداران بسیاری را در میان دانشمندان و سیاستمداران عرصه سیاست بین‌الملل به دست آورد. طرفداران آرمان‌گرایی شامل طیف وسیعی از صلح‌طلبان، فدرالیست‌های جهانی، بشردوستان، قانونگذاران و اخلاق‌گرایان می‌شود (باقری دولت‌آبادی و شفیع، ۱۳۹۳: ۲۷). در این روند تاکید بسیاری بر اهمیت ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای قانونی، انترناسیونالیسم و هماهنگی منافع به صورت راهنمای سیاستگذاری خارجی به جای عنایت به منافع ملی، قدرت، استقلال و بقا در یک نظام غیرمتمرکز می‌شود (قوام، ۱۳۹۳: ۳۵).

آرمان‌گرایی به تحلیل تجربی (یعنی چگونگی رفتار بازیگران بین‌المللی) کمتر توجه دارد تا به داورهای هنجاری (یعنی رفتاری که باید نشان دهند) (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

در حالیکه تطابق سیاست خارجی واقع‌گرا با یک سیاست خارجی ایدئولوژیک صرفاً با گسترش دایره منافع ملی و محدود کردن دایره ایدئولوژی میسر است، اما در مورد سیاست خارجی آرمان‌گرا و ایدئولوژیک این هم‌پوشی نسبتاً آسان‌تر می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۵).

یک سیاست خارجی ایدئولوژیک اغلب (و البته نه همیشه) بسط محور بوده، بدین صورت که فراتر از قلمرو سرزمینی می‌اندیشد و مرزهای جغرافیایی را بی‌اعتبار می‌داند. این مطلب در خصوص سیاست خارجی آرمان-گرا نیز صادق است. طرفداران این نوع سیاست خارجی نیز به یک جامعه بین‌المللی و دست کشیدن از ۶۷ حاکمیت ملی معتقد هستند (همان، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶).

یک سیاست خارجی ایدئولوژیک همسان سیاست خارجی آرمان‌گرا خود را به اصل اخلاقی مثل ارزش‌های انسانی و یا صلح (البته با قرائت ویژه خود) پایبند می‌داند. البته این هدف صلح صرفاً در قلمرو نظری است و نه عملی. بعنوان نمونه به‌رغم اهداف صلح‌طلبانه و همکاری‌جویانه در اصول و آمال نظری رهیافت لیبرالیستی و تفوق آن در فاصله بین دو جنگ جهانی، پس از گذشت دو دهه، جنگ جهانی دوم آغاز شد (همان، ۱۳۸۸: ۱۶).

در وضعیت آرمان‌گرایی، سیاستمداران و مجریان سیاست خارجی می‌کوشند شعارها و آرمان‌ها را بنیان سیاست‌ورزی در عرصه روابط خارجی قرار دهند. آنان در پی جانبداری از عدالت، مبارزه با ظلم و رهایی ملت‌ها، گاه مرزهای جغرافیایی و تعهدات بین‌المللی را درمی‌نوردند و با تضادها و تعارض‌های خواسته یا ناخواسته در همه عرصه‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه می‌شوند. آرمان‌گرایان خود را مکلف به «انجام وظیفه» می‌دانند و در میدان کنشگری و عمل، حتی‌الامکان پیامدهای تصمیم و اقدام‌های خویش را جدی نمی‌گیرند. بطور خلاصه، آرمان‌گرایی در سیاست خارجی حرکت در قلمرو ناممکن، ساختارشکنی و امید به ایجاد نظمی تازه در روابط بین‌الملل و مدیریت جهان بگونه‌های دیگر است.

## ۲- گفتمان دولت احمدی‌نژاد

گفتمان دولت احمدی‌نژاد در دو بعد تبیینی (عدم مقبولیت نظم کنونی جهان) و تاسیسی (بوجود آوردن نظامی جدید در جهان) به واسطه‌ی نظم و نظام بین‌الملل موجود می‌پردازد.

### ۱-۲- تبیینی

در بعد تبیینی، از طریق توصیف و تبیین سرشت ناعادلانه وضع موجود و نظم مستقر سعی می‌کند آن را غیرطبیعی ساخته و از آن مشروعیت‌زدایی کند. غیرطبیعی کردن یعنی نشان دادن این امر که نظم و نظام بین‌الملل موجود مانند هر پدیده و واقعیت اجتماعی دیگر زمان‌مند و مکان‌مند بوده که تحت شرایط خاصی امکان وجود یافته و در گذر زمان در اثر غلبه و حاکمیت طبیعی انگاشته می‌شود (بصیری و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۳).

ظهور این گفتمان از گفتمان‌های پیش از خود متمایز و متفاوت است. در حقیقت، سیاست خارجی ایران در بستر گفتمان اصول‌گرایی تهاجمی شده و نسبت به آمریکا و غرب نیز به مرز تقابل رسیده بود. احمدی‌نژاد در بیانات خود نوعی رویکرد ایدئولوژیک و تهاجمی را در مواجهه با دشمن حفظ کرد و با خطابه‌های آتشین رژیم صهیونیستی و مسئله هولوکاست را انکار کرد و سیاستی برخلاف سیاست‌های خاتمی در پیش گرفت، در واقع نشانی از تعامل‌های قبل از وی به چشم نمی‌آمد. چرخش در مولفه‌های سیاست خارجی را می‌توان از گفته‌های وزیر امور خارجه دولت نهم دریافت که می‌گفت ما در سیاست خارجی براساس لبخند در مقابل غرب نوعی واگذار کردن و نوعی وادادگی را مشاهده کردیم و این برای ما قابل پذیرش نبود (صادقیان و موسوی، ۱۳۹۶: ۱۲).

برای شناسایی اهداف، اصول و راهبردهای سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد، بهترین کار رجوع به منشور و یا برنامه کار دولت احمدی‌نژاد است که در بندهای (۸-۲) منشور دولت، تحت عنوان «راهکارهای سیاست خارجی در روابط بین‌الملل» به آن اشاره شده است. از مطالعه آن منشور موارد زیر بعنوان اهداف ایدئولوژیک به دست می‌آید:

- ۱) تشکیل قطب جهان اسلام در نظام چندقطبی آینده؛
- ۲) مبارزه با ناامنی، جنگ و تحقیر ملت‌ها؛
- ۳) مقابله با یکجانبه‌گرایی؛
- ۴) مبارزه با نظام تک‌قطبی و امپراتوری نظام سلطه جهانی (منصوری مقدم و اسمعیلی، ۱۳۸۷: ۳-۴).

می‌توان گفت نگاه احمدی‌نژاد به سیاست خارجی به نوعی متمایل به نگاه اوایل انقلاب می‌شود. احمدی‌نژاد در زمینه تغییر مناسبات بین‌المللی به جهان نگاهی آرمانی دارد و سعی می‌کند که بتواند مردم جهان را به تغییر ساختار نظام بین‌الملل تشویق کند (بصیرت، ۱۳۹۲).

احمدی‌نژاد نظام حاکم بر نظام بین‌الملل را ناعادلانه و ظالمانه اعلام و آن را در راستای منافع ابرقدرت‌ها می‌دانست. همچنین وی سازمان ملل را بعنوان مهمترین سازمان جهانی در خدمت امیال ابرقدرت‌ها می‌دانست و معتقد بود که سازمان ملل به صورت یکجانبه فقط در پی تامین منافع قدرت‌های جهانی است. علاوه بر این روابط شورای همکاری خلیج فارس نیز در دوران احمدی‌نژاد با جمهوری اسلامی وارد فاز خصمانه شد.

## ۲-۱-۱- نظام بین‌الملل

واسازی یا شالوده‌شکنی یک روش قرائت و شیوه تفسیر متن است که معمولاً و اصالتاً در ادبیات و نظریات پست - مدرن بکار می‌رود. در این روش تلاش می‌شود تا تقابل‌ها، قطب‌بندی‌ها، دوگانگی‌ها و سلسله مراتب مفهومی که در متن ثابت، طبیعی، منطقی و مشروع تلقی می‌شود، را بر هم زده و جابجا سازد. واسازی یا شالوده‌شکنی درصدد است تا از طریق بازنگری، بازبینی و بازخوانی متن نشان دهد که چنین تقابل‌ها و سلسله مراتب مفهومی لزوماً طبیعی، منطقی و دارای مشروعیت نیست. بر این اساس، روابط و مناسبات بین‌المللی بطور عام و نظم و نظام بین‌المللی بطور خاص به مثابه یک متن است که در فرآیند تاریخ و زمان نوشته شده است. این متن تنها یکی از انواع متونی است که امکان و قابلیت نوشتن داشته‌اند؛ بگونه‌ای که بر پیش‌متن‌ها و سلسله مراتب دل‌بخوانانه ابتناء یافته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸).

بارزترین و مهمترین وجه تجدیدنظرطلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران احمدی‌نژاد، مخالفت آشکار و مقابله نمایان و نمادین با نظام سلطه جهانی است. از اینرو، استکبارستیزی بعنوان یکی از اهداف راهبردی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته و پیگیری شد. اولین گام در راه مقابله با نظام موجود، آشکار ساختن ماهیت ظالمانه، غیرطبیعی و نامشروع آن است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد «مبارزه با نظام تک‌قطبی و امپراطوری نظام سلطه جهانی»، «مقابله با استعمار فرانسه و مبارزه با تفرندهای نظام سلطه جهانی» و «مبارزه با انحصار قدرت در سطح جهانی» است (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۲: ۵۱۴).

احمدی‌نژاد در سخنرانی خود در شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل درباره اینکه مدیریت و نظم امروز حاکم بر جهان چه ویژگی‌هایی دارد که باید برخی آنها را مورد توجه قرار داد برخی از آنها را به این قرار دانست:

- (۱) مبتنی بر تفکر مادی و از این‌رو غیرمتعهد به ارزش‌های اخلاقی دانست؛
- (۲) براساس خودخواهی، فریب و کینه‌توزی و نفرت شکل گرفته است.
- (۳) براساس درجه‌بندی انسان‌ها؛ تحقیر برخی ملت‌ها، تضییع حقوق دیگران و سلطه‌طلبی پایه‌گذاری شده است.
- (۴) به دنبال ایجاد انحصار در قدرت و ثروت و علم و فناوری برای گروهی معدود است.
- (۵) هبه دنبال بسط سلطه‌گری از راه تشدید تفرقه و درگیری بین اقوام و ملل؛
- (۶) سازماندهی سیاسی در مراکز اصلی قدرت جهان، برپایه ادبیات سلطه و غلبه بر دیگران استوار است. این مراکز همه برای کسب قدرت هستند و نه برای ایجاد صلح و خدمت به مردم (ایبنا، ۱۳۹۱).

### ۲-۱-۲- سازمان ملل متحد

احمدی‌نژاد علت ناکارآمدی و عدم مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی و در راس آنها سازمان ملل را ساختار ناعادلانه و تبعیض‌آمیز و سلطه‌کشورها و قدرت‌های بزرگ بعد از جنگ جهانی دوم می‌داند: «ناکارآمدی سازمان ملل به دلیل تاثیرپذیری ساختار آن از شرایط بعد از جنگ شکل گرفت. چنین تاثیری در بالاترین مرکز آن یعنی شورای امنیت می‌توان مشاهده کرد. سطوح تصمیم‌گیری در این شورا ناشی از نوعی بلوک‌بندی سیاسی میان قدرت‌های بزرگ در ۶۰ سال پیش است. با اینکه شورای امنیت باید مبتنی بر عدالت و حقوق انسان باشد، اما شیوه تصمیم‌گیری در آن تابع منافع برخی ابرقدرت‌ها و بده‌بستان‌های سیاسی است. از این‌رو، کمتر توانسته است ضامن صلح، امنیت و احقاق حقوق ملت‌ها باشد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲).

منوچهر متکی وزیر امور خارجه نیز در چارچوب همین گفتمان با صراحت از رویکرد انتقادی جمهوری اسلامی به سازمان‌های بین‌المللی و ضرورت اصلاح و تغییر ساختار و رویه آن سخن می‌گوید: «جمهوری اسلامی رویکردی منتقدانه به سازمان‌های بین‌المللی دارد؛ ما معتقدیم که پس از ۶۰ سال باید نوعی آسیب‌شناسی از سازمان‌های بین‌المللی شود و منافع همه کشورها تامین گردد. ما از تعداد اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل حمایت می‌کنیم و معتقدیم شرایط بین‌المللی متحول شده است و سطوح قدرت در مناطق مختلف باید در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت شورای امنیت سازمان ملل حضور داشته باشند. نه تنها سازمان ملل بلکه همه سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی نیز باید صرف منافع کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های میان‌پایه جهان گردد (همان، ۲۲).

آمریکایی‌ها از رژیم‌های بین‌المللی بعنوان ابزار حقوقی و سازمانی برای محدودسازی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند. روند محدودسازی جمهوری اسلامی توسط نهادهای بین‌المللی و همچنین براساس مولفه‌های تشکیل دهنده رژیم‌های بین‌المللی وجود دارد. این روند بعنوان بین‌المللی‌سازی تهدیدات جمهوری

اسلامی ایران می‌باشد. بین‌المللی‌سازی تهدیدات را می‌توان بعنوان اقدامی در جهت تکثیر تهدیدات بین‌المللی علیه ایران دانست (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

روابط ایران و سازمان ملل در دوره احمدی‌نژاد عمدتاً با چالش‌های بسیاری همراه بود بگونه‌ای که:

۱) پرونده هسته‌ای ایران علیرغم همکاری جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب طرح مدالیته، لاینحل باقی مانده و به شورای امنیت ارجاع شد و شورای حکام آژانس انرژی اتمی، رویکرد دوگانه‌ای درخصوص برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرد که سیاست‌های تنش‌زدایی ایران در این زمینه را ناکام نماید. همچنین ایران از نامزدی عضویت در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انصراف داد.

۲) شورای امنیت، ۶ قطعنامه علیه پرونده هسته‌ای ایران صادر کرد. قطعنامه ۱۶۹۶ در چارچوب بند «۴۰» فصل ۷ منشور و قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ در چارچوب بند «۴۱» منشور ملل متحد.

۳) ایران از کسب کرسی غیردائم عضویت در شورای امنیت سازمان ملل محروم ماند. در این زمینه ایران تنها توانست یک ششم آرای اعضای مجمع عمومی (۳۲ رأی از ۱۹۲ رأی) را به دست آورد.

۴) اگرچه ایران حمایت کشورهای عدم‌تعهد و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را در سیاست اعلامی آنان در قبال ایران به دست آورده بود، اما برخی از این کشورها (مانند هند، آفریقای جنوبی، قطر و ...) در ۷۱ سازمان‌های بین‌المللی، در قطعنامه‌های ضدایرانی مشارکت داشتند.

۵) سیاست ایران در مورد مبارزه با صهیونیسم و طرح مسئله هولوکاست توسط ایران، در سازمان‌های بین‌المللی پیگیری نشد. در این زمینه ایران نتوانست از توان خود در این سازمان‌ها برای مقابله با فعالیت‌های رژیم صهیونیستی اقدام موثری انجام دهد. بگونه‌ای که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای در مورد هولوکاست با اجماع و حمایت ۱۰۴ مصوب گردید و روز ۲۷ ژانویه به نام یاد بود قربانیان هولوکاست، روز جهانی یادمان هولوکاست نامیده شد. همچنین در سازمان یونسکو نیز آموزش موضوع هولوکاست بعنوان بخشی از کتاب نظام آموزشی کلیه کشورها به تصویب رسید.

۶) اگرچه مواضع ایران در قبال بحران‌های منطقه‌ای و به ویژه مسئله فلسطین همواره پیشتاز بوده است، اما ایران هرگز نتوانسته است از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد برای تصویب قطعنامه‌ای در این خصوص استفاده کند. این مسئله در اوج بحران‌هایی مانند جنگ غزه کاملاً آشکار بود (ملکی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۹-۱۸).

بیشتر رویکرد رسمی رژیم صهیونیستی به پرونده هسته‌ای ایران ناشی از لفاظی‌های انفجاری محمود احمدی‌نژاد در مورد رژیم صهیونیستی، صهیونیسم و هولوکاست است. در اکتبر ۲۰۰۵ در کنفرانسی در مورد «جهان

بدون صهیونیسم» که خود احمدی‌نژاد آن را تشکیل داده بود، او رژیم صهیونیستی را «لکه‌ای ننگین» اعلام کرد که باید «از نقشه جهان پاک شود»، در سال ۲۰۰۸ او بار دیگر تاکید کرد که رژیم صهیونیستی «میکروب فساد» و «تومور سرطانی» است که باید از نقشه جهان حذف شود (Shmuel, 2011: 9).

همچنین احمدی‌نژاد پس از سخنرانی خود در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، کتاب قضاوت نهایی مایکل کالینز پایپر روزنامه‌نگار راست افراطی آمریکایی را که در آن گفته شده موساد قاتل جان اف کندی بوده را در معرض نمایش گذاشت (Michael, 2007: 5).

احمدی‌نژاد در نامه خود به جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «مردم جهان به سازمان‌های بین‌المللی ایمان ندارند، زیرا بوسیله این سازمان‌ها از حقوق آنها طرفداری نمی‌شود». و در سخنان پیش از عزیمت به نیویورک برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی گفت: «سازمان ملل و بالاترین رکن آن، یعنی شورای امنیت باید به سمت دفاع حقیقی از حقوق ملت‌ها گام بردارد و از تسلط یک کشور یا مراکز قدرت بر این سازمان‌ها جلوگیری شود؛ بنابراین تا تحولات اساسی در ساختار سازمان انجام نگیرد و تا زمانی که تصمیم‌گیری‌ها تابع منافع برخی از قدرت‌ها و بده بستان‌های سیاسی می‌باشد، از جمهوری اسلامی نمی‌توان انتظار پذیرش تصمیم‌های این سازمان را داشت. به همین دلیل، جمهوری اسلامی با عدم تمکین و تقبیح قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۶ و ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران این قطعنامه‌ها را نمودی از رویدادهای تبعیض‌آمیز این نهاد قلمداد می‌کند.

همچنین احمدی‌نژاد پس از انتخاب آنتونیو مانوئل داولیورا گوتورش بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد در نامه‌ای به وی عنوان کرد: «عدم رعایت عدالت حقوق ملت‌ها و به چالش کشیده شدن فلسفه وجودی این سازمان را در پی داشته است. مزید بر آن استقرار مقر سازمان در خاک ایالات متحده آمریکا به استیلائی دولت آمریکا به ارکان این مهم‌ترین نهاد بین‌المللی انجامیده است که در نتیجه آن، جزء در دوران محدودی از ابتدای حیات خود نتوانسته است در مسائل مهم جهانی، نقش موثر و اصلی را به نفع ملت‌ها ایفا نماید (دیار میرزا، ۱۳۹۵).

### ۳-۱-۲- شورای همکاری خلیج فارس

احمدی‌نژاد برای شرکت در نشست سالانه سران شورای همکاری خلیج فارس که در سال ۲۰۰۷ در دوحه قطر برگزار گردید دعوتنامه دریافت کرد. در واقع، وی نخستین رئیس‌جمهور ایران بود که از زمان تشکیل این شورا در ۲۶ سال پیش از آن در اجلاس سران آن شرکت می‌کرد. در این اجلاس رئیس‌جمهور ایران ابراز داشت که ما خواهان صلح و امنیت بدون هرگونه نفوذ بیگانه هستیم، پیشنهاد برقراری پیمان‌ها و نهادهای اقتصادی و امنیتی را در میان این هفت دولت برای خدمت به مردم منطقه و برقراری صلح و شکوفایی برای



همه مطرح ساخت. از نظر بسیاری از تحلیلگران، حضور محمود احمدی‌نژاد نقطه برجسته بیست و هفتمین اجلاس شورای همکاری خلیج فارس بود. با این حال، هیچ چیز در ارتباط با مشارکت ایران در این نشست و یا پیشنهادهای مطروحه رئیس‌جمهور ایران در بیانیه پایانی ذکر نشد. سخنان کوتاه ریاست قطری مینی بر خوشامدگویی به مهمانشان و چند کلمه در خصوص قول بررسی پیشنهادهای وی تنها پاسخی بود که به ایران داده شد (طالعی حور و صبوری، ۱۳۹۱: ۱۲).

علیرغم این تلاش‌ها، باز هم روابط خارجی ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به واگرایی سوق یافت و در ادامه تحت تاثیر عواملی مثل هلال شیعی، مسئله انرژی هسته‌ای ایران، ادامه اختلافات دیرینه ایران با امارات بر سر جزایر سه‌گانه و تشدید حلقه امنیتی ایران توسط آمریکا و نقش این کشور در ایران‌هراسی کشورهای منطقه، واگرایی نه تنها تداوم یافته، بلکه تشدید هم شده است (همان، ۱۳). نقطه اوج اختلاف بین ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و در راستای عربستان سعودی موضوع سوریه بود. عربستان سعودی خواستار سرنگونی دولت سوریه بود در حالی‌که جمهوری اسلامی از حامیان دولت سوریه بود. عربستان برخلاف ایران در پی ناامنی در سوریه بود، زیرا اولاً ایدئولوژی سعودی‌ها با ایدئولوژی سکولار بشار اسد همخوانی نداشت؛ ثانیاً سرکوب‌های دائمی دولت سوریه علیه مخالفان سنی، ریاض را بسیار آشفته کرده بود؛ ثالثاً عربستان دریافته بود که سقوط اسد می‌تواند بعنوان فرصت طلایی برای تضعیف ایران تلقی شود؛ و ۷۳ در نهایت، حمایت از مخالفان در سوریه می‌توانست انتقاد مخالفان رژیم عربستان را در مورد نحوه برخورد ریاض در داخل این کشور با موضوع بیداری اسلامی خنثی کند. پشتیبانی مالی برای تهیه سلاح و قاچاق اسلحه به داخل سوریه و ارائه راهکارهای عملیاتی به معترضان و مرتبط کردن آنها با رسانه‌های بین‌المللی و ایجاد فشار رسانه‌های تحت مالکیت آن کشور؛ مثل: العربیه، الحیات و الشرق الاوسط از اهداف این کشور بوده و هست؛ همچنانکه سعود الفیصل، وزیر خارجه وقت عربستان نیز در این رابطه گفت که مسلح کردن مخالفان سوری، وظیفه‌ای است که در زمانیکه مخالفان توانایی دفاع از خود را ندارند، باید ادا شود. همچنین، وی در دیدار خود با جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در ژوئن ۲۰۱۳ گفت که شورشیان باید برای دفاع از خود در برابر بشار اسد تسلیح شوند. وی گفت: «نمی‌توانیم در برابر مداخله ایران و حزب‌الله در سوریه ساکت بمانیم» (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰-۹).

سیاست ایران در قبال سوریه اما تفاوت اساسی داشت و این موضوع را از صحبت‌های علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه دولت احمدی‌نژاد در اختتامیه اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی می‌توان دید. صالحی گفت: «ما امروز شاهد وضعیتی پیچیده در سوریه هستیم. آنچه امروز در سوریه بعنوان یک کشور مهم منطقه جریان دارد، خطری است که می‌تواند آرامش و امنیت در کل منطقه را با چالش جدی مواجه نماید. ما از

ابتدا بر این عقیده بوده‌ایم که در سوریه نیز همانند سایر کشورها سطحی از مطالبات و درخواست‌های واقعی مردم وجود دارد که باید پاسخ مثبت به آنها داده شود و بنابراین جمهوری اسلامی ایران از همان شروع بحران ضمن درخواست توقف درگیری‌ها و برقراری آرامش در کشور، مردم‌سالاری و افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است» (ایسنا، ۱۳۹۲).

علاوه بر این با شروع بحران نظامی در سوریه برخی از کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس با هدف ضربه زدن به ایران به تجهیز گسترده گروه‌های تروریستی در سوریه پرداختند. اگر این رویکرد را مبنای عمل اعضای شورای همکاری خلیج فارس بدانیم در این صورت می‌توانیم به درکی بسیار عمیق از چرایی هزینه‌های کلان نظامی کشورها دست یابیم. البته باید توجه نماییم که مرجع آماری کاملاً دقیقی از هزینه‌های نظامی کشورهای گوناگون وجود ندارد، اما همه ساله «موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم»<sup>۱</sup> با استفاده از منابع غیرمحرمانه و پرسش‌نامه‌هایی که به صورت رسمی در اختیار سران نظامی کشورهای گوناگون قرار می‌دهد آماری از هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای مختلف ارائه داده و به دسته‌بندی آنها می‌پردازد و تغییرات آن را در طی سال‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد و در قالب جداول گوناگون به توضیح آنها می‌پردازد (جمال‌زاده و آقایی، ۱۳۹۴: ۱۵).

طبق آمارهای موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم در آوریل ۲۰۱۴ مجموع کل هزینه‌های تسلیحاتی در سال ۲۰۱۳ برای منطقه خاورمیانه چیزی معادل ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود که نسبت به سال گذشته رشدی ۴ درصدی را نشان می‌دهد، در مجموع در بازه زمانی ۱۰ ساله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ هزینه‌های تسلیحاتی و نظامی در منطقه ۵۶ درصد رشد داشته است. در سال ۲۰۱۲ امارات متحده عربی دو نوع سیستم موشکی ضدبالستیک را به آمریکا سفارش داد و اولین محموله سفارشات خویش را که شامل چهار قطعه سیستم راداری دفاعی ضدبالستیکی بود را دریافت کرد، سیستمی که عربستان سعودی در سال ۲۰۱۱ تعداد ۲۱ قطعه آن را سفارش داده بود و کویت و قطر نیز در سال ۲۰۱۲ تمایل خود را برای خرید آن اعلام کردند. مقامات حکومت عربستان سعودی در همین سال‌ها ۴۸ فروند جنگنده رزمی «تایفون» را به انگلستان سفارش دادند و ۱۵۲ فروند هواپیمای جنگنده «اف-۱۵» از آمریکا خریداری نمودند و برای موارد اخیر چیزی برابر با ۳۰ میلیارد دلار هزینه پرداخت کردند، قراردادی که مقامات آمریکایی معتقدند بیش از پنجاه هزار فرصت شغلی ایجاد نمود و سالیانه سه و نیم میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا کمک می‌کند. لازم به ذکر است که این قرارداد بخشی از یک قرارداد بزرگ‌تر ۱۰ ساله است که ارزش آن ۶۰ میلیارد دلار برآورد شده است و شامل فروش بالگرد، مجموعه‌ای از موشک‌های گوناگون، سیستم‌های هدایت شونده و عینک‌های دید در شب است که کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۰ فروش آنها را به تصویب رساند، همچنین در سال ۲۰۱۱ قرارداد دیگری به

<sup>1</sup> Stockholm International Peace Research

ارزش ۵ میلیارد دلار بین عربستان و آمریکا منعقد گردید که شامل فروش انواع هواپیماهای نظامی و بالگردهای نظامی بود که این خریدهای تسلیحاتی از طرف مقامات ریاض و واشنگتن به منزله تعهدی نمادین برای ادامه روند همکاری‌ها در آینده به حساب می‌آمد (همان، ۲۲).

## ۲-۲- تاسیسی

احمدی‌نژاد در شصت و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل درباره طرح خود که وی آن را «مدیریت مشترک جهانی» می‌نامید گفت: «باید با عزم عمومی و همکاری و مشارکت همگانی طرحی نو در انداخت. طرحی که به اندیشه انسانی و فطری و ارزش‌های جهان شمول از جمله توحید، عدالت، آزادی، محبت و جستجوی سعادت از طریق سعادت همگان استوار باشد. تغییرات و اصلاحات برای تشکیل کامل و واقعی سازمان ملل نیاز اصلی و اساسی که مجمع عمومی باید به آن بپردازد. در نشست سال گذشته با ذکر اهمیت موضوع پیشنهاد کردم که این دهه، دهه «مدیریت مشترک جهانی» نامگذاری و از همه ظرفیت‌ها برای ایجاد جهانی متحد استفاده شود. اکنون نیز پیشنهاد خود را تکرار می‌کنم» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰).

بطور کلی احمدی‌نژاد هرگز یک طرح جامعه و یکپارچه که جایگزینی برای سازمان‌ها و نهادهای کنونی دنیا باشد، بطوریکه تمام کشورهای دنیا در آن از حقوق مساوی برخوردار باشند و همچنین تعیین کننده نوع روابط کشورها با یکدیگر بگونه‌ای که عده‌ای از کشورها دست بالاتر را نسبت به بقیه کشورها نداشته باشند، ارائه نکرد. آنچه در بحث جایگزینی نظم کنونی جهان توسط دولت احمدی‌نژاد شاهد بودیم شامل: (۱) دیپلماسی عمومی؛ (۲) دیپلماسی نامه‌ای؛ (۳) آموزه مهدویت، می‌شود.

## ۲-۲-۱- دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی بعنوان یک ابزار سیاست خارجی عبارت است از فرایندی که از طریق آن، یک حکومت ارتباط و روابط مستقیم با مردم و ملت‌های دیگر برقرار می‌کند تا مبانی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و گفتمان انقلاب (خود) را در این جوامع گسترش دهد. به عبارت دیگر، دیپلماسی عمومی فرایند ارتباط جمهوری اسلامی با عموم مردم کشورهای دیگر برای شناساندن ایده‌ها، ایده‌آل‌ها، آرمان‌های اسلامی - انقلابی، معرفی نمادها، فرهنگ و هنجارها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود می‌باشد (ملکی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۰).

برخلاف ویژگی مشترک دیپلماسی سنتی و دیپلماسی نوین که مربوط به اقدامات رسمی و اداری یک دولت حاکم با دولت حاکم دیگر از طریق ماموران رسمی خود می‌باشد، دیپلماسی عمومی بر عموم مردم، شامل افراد و گروه‌های غیردولتی در جوامع خارجی تمرکز یافته است. دیپلماسی عمومی که در واقع، شکلی از

تبلیغ اما از سوی دیپلمات‌ها است زمانی یا اصلا مطرح نبود یا در حاشیه دیپلماسی و فعالیت دیپلمات‌ها قرار داشت (نوازی، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۲۰).

احمدی‌نژاد بر ضرورت تعامل با ملت‌های عدالت‌خواه جهان تاکید می‌ورزید؛ چراکه علاوه بر بهره‌گیری از بسیج توده‌ها در داخل بعنوان پشتوانه سیاست خارجی، بر این باور است که تعاملات بین دولتی می‌تواند جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف استقلال‌طلبانه و ضداستعماری یاری رساند. این مهم مستلزم کاربرد ادبیات جدید در روابط بین‌الملل به منظور گسترش سطح تعاملات با ملت‌ها و مخاطب قرار دادن افکار عمومی جهانی بوده است. در این راستا دیپلماسی مردم محور بعنوان مبنای اعتمادسازی جهانی با حفظ اصول و ارزش‌ها و اقتدار در عرصه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. بکارگیری ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه-ای، دانشگاهی و تشکلهای غیردولتی در جهت توسعه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی و نیز احتمال به نقش ایرانیان خارج و نیز مسلمانان و نخبگان شیفته انقلاب اسلامی بعنوان سفیرای فرهنگی کشور و بازیگران موثر در همکاری علمی، فنی و اقتصادی با جهان در این راستا قابل ارزیابی است. احمدی‌نژاد درصدد آن برآمده بود که بر روی افکار عمومی منطقه و جهان سرمایه‌گذاری کند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰).

یکی دیگر از محورهای دیپلماسی عمومی احمدی‌نژاد، سفرهای مختلف وی است. او همانگونه که در داخل با راه‌اندازی سفرهای استانی به ارتباط چهره به چهره پرداخت، در سفرهای خارجی نیز سعی می‌کند به صورت چهره به چهره با مردم کشورهای مختلف دنیا صحبت کند. در دوره اول ریاست جمهوری، سفرهای خارجی احمدی‌نژاد به ۶۰ سفر بالغ می‌شد. برخلاف سفرهای دولت اصلاحات که مقصد آنها کشورهای غربی بود، احمدی‌نژاد به کشورهای آسیایی، آفریقا و آمریکای جنوبی تغییر مسیر داد. ارتباط گسترده احمدی‌نژاد با مردم و سران کشورهای آمریکای لاتین از این دید قابل تحلیل است (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۱۷).

## ۲-۲-۲- دیپلماسی نامه‌ای

احمدی‌نژاد با تقلید از الگوی نامه‌نگاری‌های پیامبر اسلام (ص) در زمان دعوت سلاطین و فرمانروایان سایر امپراتوری‌ها و قبایل، شروع به نامه‌نگاری با سران کشورها و رهبران مذهبی دنیا نمود. احمدی‌نژاد در می ۲۰۰۶ نامه‌ای به جرج دبیلو بوش نوشت و در ۲۰۰۷ به گفتگوی سازنده‌ای با ایالات متحده برای همکاری در عرصه امنیت عراق مبادرت کرد. بعضی از مطبوعات منطقه از نامه رئیس جمهور به بوش با عنوان «بمب احمدی‌نژاد» یاد کردند. برای نمونه روزنامه الخلیج، چاپ امارات در تاریخ ۹ می ۲۰۰۶ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۵) با تیتر «بمب احمدی‌نژاد: نامه خطاب به بوش» اینچنین نوشت: «رئیس جمهور ایران با ارسال نامه‌ای به بوش، شگفتی دیپلماتیک بزرگی را آفرید که ناظران سیاسی را شگفت زده کرده و محافل سیاسی در سطح

بین‌المللی را به خود مشغول داشته است». احمدی‌نژاد درباره اهداف خود از نامه‌نگاری می‌گوید: «نامه من اهداف گوناگونی داشت. عده زیادی از شهروندان آمریکا در پیام‌ها و نامه‌هایی که برای من فرستادند درخواست کردند که من نقطه نظراتم را مستقیماً با مردم آمریکا در میان بگذارم. بسیاری از آنها گفتند که دولت آمریکا اجازه نمی‌دهد که ما نقطه نظرات شما را به درستی دریافت کنیم. به زبان‌های گوناگون گفته‌اند که نوعی سانسور برقرار است و خواستند که من مستقیماً با آنها صحبت کنم. من هم مستقیماً با آنها صحبت کردم ... هدف دیگر، برقراری یک گفت‌وگو جدید بین ملت‌هاست. اما همه این اهداف در جهت صلح، برادری و دوستی است. ما از این وضعیت دنیا ناراحتیم و روند را مثبت ارزیابی نمی‌کنیم. گرچه معتقدیم ملت‌ها دارند بیدار می‌شوند. اما از وضع موجود راضی نیستند. ما از این جنگ‌ها و درگیری‌ها بیزاریم. فکر می‌کنیم که با منطق می‌شود مسائل را حل کرد. می‌توان گفت استفاده از دیپلماسی نامه‌ها در دولت احمدی‌نژاد در راستای اصل مهم دعوت قرار دارد که از اصول مورد نظر اسلام در سیاست خارجی است. در واقع دعوت دیگران به اصلاح و توصیه به اعمال نیک و گرایش به سوی حق تعالی، از وظایف مجریان سیاست خارجی می‌باشد. این یک تکلیف دینی و سیاسی برای همه مسلمین و هر دولت اسلامی است (همان، ۱۹-۱۸).

احمدی‌نژاد در طول دوران ریاست جمهوری خود ۷ بار اقدام به نامه‌نگاری نمود که شامل نامه به ژاک شیراک رئیس‌جمهور سابق فرانسه در تیر ۱۳۸۵ نمود که محتوای آن فاش نشد، نامه به جرج بوش در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، نامه به آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در ۲۸ تیر ۱۳۸۵، نامه به سازکوزی رئیس‌جمهور وقت فرانسه در ۲۱ آبان ۱۳۸۶، نامه به اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۶ آبان ۱۳۸۹ و اسفند ۱۳۸۹ و نامه به پاپ در ۱۵ مهر ۱۳۸۹ (خبر آنلاین، ۱۳۹۵).

احمدی‌نژاد پس از دوران ریاست جمهوری خود نیز این نامه‌نگاری‌ها را ادامه داد که می‌توان به نامه به اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۳۹۵، نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد درباره کرونا در اسفند ۱۳۹۸، نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۲۸ آذر ۱۳۹۹ و نامه به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی درباره جنگ یمن اشاره کرد.

### ۲-۲-۳- آموزه مهدویت

احمدی‌نژاد در چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت درباره حکومت جهانی و آینده جهان گفت: «خداوند انسان را نیافرید که در پایین‌ترین درجه کمال زندگی کند، او را آفرید که به قله کمال برسد و رسیدن به قله کمال مستلزم زندگی اجتماعی است و این زندگی اجتماعی مستلزم حاکمیت حکومت و آن حکومتی این فضا را فراهم می‌کند که خود در بالاترین نقطه کمال باشد. دمیدن روح کمال در انسان و پیش بردن دل او به سمت نقطه آرمانی از طریق ائمه اطهار (ع) و فرزندان پیامبر گرامی اسلام (ص) و انبیاء (ع)

ادامه پیدا کرده است و به فضل الهی و به لطف خداوند فرزند آخر و موعود امم خواهد آمد و این ضرورت قطعی کمال انسان را به صورت کامل در جهان محقق خواهد کرد. بدون برپایی حکومت جهانی به دست انسان کامل محال است که ماموریت انسان و هدف از خلقت انسان محقق شود و این یک امر حتمی است (همشه‌ری آنلاین، ۱۳۸۷).

مهدویت آموزه‌ای است که در جهت‌های گوناگون داخلی و بین‌المللی قواعدی مطابق با منابع وحیانی در خود گنجانده است. در قوانین جمهوری اسلامی، گزاره‌هایی از آموزه مهدویت برای دستگاه دیپلماسی نهاده شده که می‌تواند بعنوان چراغ راهنمایی برای اعضای دیپلماسی و تماس نهادهای فعال در عرصه بین‌المللی عمل کند. از حیث وحیانی؛ برخی آیات قرآن، در عین حال که به آموزه مهدویت ناظر است، به چگونگی سیاست خلرجی نیز اشاره کرده است. از حیث قوانین اسلامی جمهوری اسلامی روش‌ها و راهبردهایی برای سیاست‌گذاری‌های دستگاه دیپلماسی با توجه به آموزه مهدویت و ایصال به جامعه آرمانی نهاده شده است و در اندیشه و بیانات رهبران جمهوری اسلامی ایران، چگونگی عملکرد در سیاست خارجی، با توجه به در نظر گرفتن اهداف غایی اسلام و آموزه مهدویت به وفور دیده می‌شود (جباری، ۱۳۹۸: ۳-۴).

در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد شاهد برداشت عجیب، دور از واقعیت و به دور از اصول اسلامی از مهدویت بودیم. در این دوره مصداق‌هایی برای یاران امان زمان (ع) عنوان می‌شد که هیچگونه قرابتی میان مصداق‌ها و روایاتی که درباره یاران حضرت امام زمان (ع) وجود نداشت و گاهی در تضاد با اندیشه مهدویت نیز بودند. غلامحسین الهام سخنگوی وقت دولت احمدی‌نژاد در اظهارنظری عجیب مدعی رجعت احمدی‌نژاد دست در دست چاوز با حضرت مهدی (عج) شد. این اظهارنظر با واکنش علاءالدین بروجردی رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی را در پی داشت.

بروجردی با بیان اینکه «احمدی‌نژاد و همفکران او بارها درباره چگونگی ظهور امام عصر (عج) صحبت‌هایی داشته‌اند که مورد انتقاد واقع شده و این حرف‌ها، مساله جدیدی نیست. حتی مراجع بزرگوار ما که ده‌ها سال در مکتب اهل بیت و تشیع تلمذ کردند و در اینگونه مسائل خبره هستند، چنین سخنانی درباره رجعت مطرح نمی‌کنند» (خانه ملت، ۱۳۹۲).

احمدی‌نژاد نیز در پیام تسلیت خود در پی درگذشت هوگو چاوز رئیس جمهور فقید ونزوئلا مدعی رجعت وی با امام عصر (عج) گردید. وی نوشته بود: «تردید ندارم که او باز خواهد گشت و به همراه همه صالحان و حضرت مسیح (ع) و تنها باقیمانده از نسل پاکان، انسان کامل، خواهد آمد و جامعه بشری را در استقرار صلح و عدالت کامل و مهربانی و کمال یاری خواهد داد (مشرق، ۱۳۹۱).

انتقاداتی که بعد از پیام تسلیت درباره هوگو چاوز و نوید به رجعت چاوز، به اوج خود رسید تا آیت‌اله جنتی بگوید: «کاش برخی که این مسائل را مطرح می‌کنند، چهار تا کتاب می‌خواندند و چهار روز به حوزه علمیه

می‌رفتند و میان موضوع‌های نقلی و عقلی تفاوت قائل می‌شدند. رجعت از مسائل نقلی است و با دلیل نقلی ثابت می‌شود و نیاز به حدیث و استناد به قرآن دارد» (باقری دولت آبادی و شفیع، ۱۳۹۳: ۲۳). همچنین احمدی‌نژاد در جمع طلاب و روحانیون به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان با اشاره به اینکه باید دست مردم را در دست امام زمان (عج) گذاشت گفت: «بیش از آنکه ما دنبال امام زمان (عج) باشیم، آنها دنبال امام زمان (عج) هستند. آنقدر در دانشگاه‌های علوم انسانی آمریکا راجع به امام زمان (عج) تحقیق کرده‌اند که اگر بگویم هزاران برابر مجموع کار حوزه‌های علمیه قم و نجف و مشهد، زیاد نگفته‌ام، بلکه کمتر گفته‌ام که شما باور کنید. با بسیاری از کسانی که به‌زعم آنان می‌توانستند با امام زمان (عج) ارتباطی داشته باشند تماس گرفته و با آنها مصاحبه و اطلاعات‌شان را تخلیه کرده‌اند. به قول دوستی که می‌گفت پرونده امام زمان (عج) را تکمیل کرده‌اند و برای دستگیریش بسته‌اند، و تنها عکسش را کم دارند. آنها می‌دانند که تنها خطر مبنایی و اساسی برای امپراتوری چند صد ساله آنها امام زمان (عج) می‌باشد» (شرق، ۱۳۹۴).

### نتیجه‌گیری

دولت محمود احمدی‌نژاد با نگاه آرمان‌گرایی ابتدای انقلاب اسلامی به نظام بین‌الملل می‌نگریست و در تلاش بود که نظم موجود در نظام بین‌الملل را به چالش بکشد. علیرغم تلاش‌های محمود احمدی‌نژاد و نامه‌نگاری - ۷۹ های وی برای مقامات سیاسی و مذهبی، ولی نه تنها اقدامات وی به نتیجه مطلوب نرسید، بلکه جواب عکس هم در مواقعی می‌داد؛ مانند ثبت روز جهانی هولوکاست در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یا عدم رای سایر کشورهای جهان به جمهوری اسلامی ایران برای حضور در شورای امنیت سازمان ملل متحد بعنوان یکی از اعضای غیردائم، که نشان از بی‌نتیجه بودن و عدم کارایی سیاست خارجی آرمان‌گرای دولت محمود احمدی‌نژاد در صحنه بین‌الملل داشت. طرح دیپلماسی نامه‌ای در شرایطی که نظم حاکم در جهان مخالف با دیپلماسی سری می‌باشد و با تاسیس سازمان ملل بعنوان یک پارلمان جهانی در تلاش است تا راه را برای بکار گرفتن دیپلماسی آشکار فراهم آورد و مانع از دسیسه‌های احتمالی گردد تا مانع از بروز جنگ و دشمنی گردد، این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که دنیا در حال بازگشت به دوران زد و بندهای پنهانی که موجب وقوع دو جنگ جهانی گردید می‌باشد و قطعاً چنین چیزی نمی‌توانست مورد پذیرش سایر کشورها باشد. همچنین دیپلماسی عمومی نیز موضوعی است که امروزه تحت عنوان تاثیر بر افکار و اذهان مردم یک کشور برای جهت دادن به آنها برای دستیابی به اهداف و امیال خاص کشور کنترل‌کننده قلمداد می‌گردد و نوعی دخالت در امور داخلی یک کشور دیگر محسوب می‌شود و نمی‌توانست مورد پشتیبانی سایر کشورها قرار گیرد. موضوع آموزه مهدویت نیز در حالیکه در جهان اسلام مذاهب چهارگانه اهل سنت و حتی برخی فرق

شیعه نیز به آن چندان اعتقادی ندارند نیز نشان از عدم درک درست نظام بین‌المللی می‌باشد؛ چراکه کشورهای اروپایی و قسمتی از آمریکا اغلب پیرو مذاهب سه گانه مسیحیت یعنی پروتستان، کاتولیک و ارتدوکس هستند، همچنین در شرق مذاهب غالب بویایی، شینتو و کنفوسیوسی هستند به علاوه جمع کثیری که هیچ اعتقادی به هیچ از ادیان ندارند بدین ترتیب طرح آموزه مهدویت در چنین فضایی بطور کلی یک اقدام از پیش شکست خورده می‌باشد.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸)، «بررسی واسازانه‌ی نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ش ۴.
- ۲- باقری دولت‌آبادی، علی و محسن، شفیعی (۱۳۹۳)، «از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری»، تهران: انتشارات تپسا.
- ۳- بصیری، محمدعلی و حمید، احمدی‌نژاد (۱۳۹۶)، «تبیین دیپلماسی فرهنگی سید محمد خاتمی و محمود احمدی-نژاد در نظام بین‌الملل»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۴۶.
- ۴- بصیرت (۱۳۹۲)، «گفتمان سیاست خارجی احمدی‌نژاد- خاتمی» [www.basirat.ir/fa/news](http://www.basirat.ir/fa/news)
- ۵- بی‌نا (۱۳۹۱)، «متن کامل سخنان احمدی‌نژاد در شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل» [www.isna.ir/news/910705039751](http://www.isna.ir/news/910705039751)
- ۶- بی‌نا (۱۳۹۲)، «متن کامل سخنرانی صالحی در اختتامیه اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی» [www.isna.ir/92021007192](http://www.isna.ir/92021007192)
- ۷- بی‌نا (۱۳۹۲)، «صحبت‌های الهام درباره رجعت احمدی‌نژاد، وهن اعتقادات شیعه است» [www.icana.ir/fa/news/229854](http://www.icana.ir/fa/news/229854)
- ۸- بی‌نا (۱۳۹۵)، «مروری بر نامه احمدی‌نژاد به مقصد سران سیاسی دنیا، مردی با هوس مدیریت جهانی» [www.khabaronline.ir/news/565176](http://www.khabaronline.ir/news/565176)
- ۹- بی‌نا (۱۳۹۰)، «انتقاد احمدی‌نژاد از مدیریت جهان» [www.donya-e-qtasad.com/64/418764](http://www.donya-e-qtasad.com/64/418764)
- ۱۰- بی‌نا (۱۳۹۱)، «چاوز به همراه حضرت مسیح بازخواهد گشت/ او شهید راه خدمت به ملت ونزوئلا بود» [www.mashreghnews.ir/news/199172](http://www.mashreghnews.ir/news/199172)
- ۱۱- بی‌نا (۱۳۸۷)، «احمدی‌نژاد: تمام بشریت از وضع حاکم ناراضی هستند» [www.hamshahrionline.ir/news/160619](http://www.hamshahrionline.ir/news/160619)
- ۱۲- جباری، حسین‌علی (۱۳۹۸)، «نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه پژوهش موعود، ش ۱.



- ۱۳- جمال‌زاده، ناصر و محمد، آقایی (۱۳۹۴)، «تاثیر ایران‌هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، *جستارهای سیاسی معاصر*، ش ۱.
- ۱۴- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصولگرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد»، *دو فصلنامه دانش سیاسی*، ش ۵.
- ۱۵- دهقانی فیروزآبادی، جلال و علیرضا، فیروزی (۱۳۹۱)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در دوران اصولگرایی»، *فصلنامه روابط خارجی*، ش ۲.
- ۱۶- دیار میرزا (۱۳۹۵)، «احمدی‌نژاد برای مدیریت بهتر جهان به دبیرکل جدید سازمان ملل نامه نوشت» [www.diyarmirza.ir/1395/08](http://www.diyarmirza.ir/1395/08)
- ۱۷- صادقیان، رضا و قائم، موسوی (۱۳۹۶)، «مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد»، *ماهنامه پژوهش ملل*، ش ۱۶.
- ۱۸- صادقی اول، هادی و دیگران (۱۳۹۴)، «تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۹۴-۱۳۸۴)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ش ۲۵.
- ۱۹- طالعی حور، رهبر و محمدحسن، صبوری (۱۳۹۱)، «شورای همکاری خلیج فارس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، ش ۳۸.
- ۲۰- عبوضی، محمد رحیم (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد»، *مجله راهبرد و توسعه*، ش ۸۱، ۱۴.
- ۲۱- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۲- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، *آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- ۲۳- ملکی، مصطفی و مجتبی، بابایی (۱۳۹۱)، «روابط ایران و سازمان ملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، *مجله مطالعات روابط بین‌الملل*، ش ۱۸.
- ۲۴- ملکی، محمدرضا و انسیه، رازقندی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و دولت احمدی‌نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ش ۱۶.
- ۲۵- منصوری مقدم، جهانشیر و علی، اسمعیلی (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از منظر مدل پیوستگی (جیمز روزنا)»، *فصلنامه سیاست*، ش ۱.
- ۲۶- نوازنی، بهرام (۱۳۹۵)، *دیپلماسی و ماموریت دیپلماتیک*، قزوین: انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- ۲۷- هالستی، کی. جی (۱۳۹۰)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۸- هیوود، اندرو (۱۳۹۱)، سیاست، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: انتشارات نشرنی.

لاتین:

29- Shmuel, NILI (2011). The Nuclear (and the) Holocaust: Israel, Iran: and the shadows of Auschwitz. *Journal of strategic security*.

30- Michael, George (2007). Deciphering Ahmadinejad holocaust revisionism. *Middle East forum*.

